

بررسی مسئله حجب در فقه فریقین

محمد عیسی هاشمی^۱

چکیده

بر اساس مقررات اسلامی خویشاوندی سبب ارث شناخته شده است. لذا وقتی کسی می‌میرد، ماترک او پس از برداشت هزینه کفن، دفن، ادای دیون و اخراج وصیت، بین ورثه و خویشاوندانش تقسیم می‌شود، ولی هریک از وراثت میت در همه احوال ارث نمی‌برند، بلکه در بعضی از اوقات اوضاعی به وجود می‌آید که یک وارث یا از کلیه سهم الارث خود محروم و ممنوع می‌شود یا مقدار سهم الارث وی کاهش می‌یابد و از حداکثر به حداقل تنزل می‌یابد. این محرومیت یا تنزل در اصطلاح اهل فرایض و میراث‌داران حجب نامیده می‌شود که در این مقاله با روش استنادی و تحلیلی توصیفی بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: حجب، میراث، ارث، فقه فریقین، حجب حرمانی، حجب نقصانی

۱. گروه فقه قضایی، مجتمع آموزش عالی فقه، جامعه المصطفی العالمیه، سمنگان، افغانستان.

ایمیل: d.m.eisa.mohammadi@gmail.com



مقدمه

حجب یکی از مباحث مهمی است که در بحث میراث مورد بحث قرار می‌گیرد با این تفسیر که بعضی از طبقات و بعضی از اصناف حاجب و مانع ارث بردن طبقه و صنف دیگر می‌باشند. حجب به دو قسمت تقسیم می‌شود؛ حجب حرمان و حجب نقصان. در قسمت اول آن است که وارث از اصل ارث محروم می‌شود. مثل برادرزاده که به واسطه بودن برادر یا خواهر متوفی از ارث محروم می‌شود یا برادر ابوی که با بودن برادر ابوینی از ارث محروم شده و سهمی ندارد. قسمت دوم آن است که فرض وارث از حد اعلا به حد ادنی تنزل می‌یابد. مثل تنزل حصه شوهر از نصف به ربع، البته در صورتی که برای زوجه اولاد باشد و نیز تنزل حصه زن از ربع به ثمن در صورتی که برای زوج اولاد باشد.

این مقاله مسئله حجب و حاجب و محجوب را در فقه فریقین به بررسی و ارزیابی می‌گیرد. اقسام حجب و دو قاعده مهم ارث، یعنی قاعده «الاقرب یمنع الابد» و قاعده «المتقرب بالابوین یمنع المتقرب بالاب» از مباحث اصلی این مقاله است. این مسئله که چه کسانی از اصل ارث محروم می‌شوند و چه کسانی از بعض ارث محجوب می‌شوند، شرایط حاجبیت هر یک نیز به طور مفصل بیان شده و تشریح می‌شود.

۱. مفاهیم

۱-۱. حجب در لغت و فقه

حجب در لغت به معنای منع کردند و پوشاند است. حجاب و حاجب از همین ریشه است. (سیاح، ۱۳۵۴: ۲۳۴؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ۱: ۱۳۴) حجاب به معنای پرده، حائل و مانع است و حاجب السلطان، یعنی کسی که از ورود مردم به نزد پادشاه جلوگیری می‌کند. (فراهیدی، ۲۰۰۳، ۱: ۱۸۴) محجوب به معنای ممنوع است. خداوند متعال می‌فرماید: «كُلًّا أَنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ؛ قطعاً ایشان در آن روز از [رحمت] پروردگارشان محروم و مطرود است». (مطففین: ۱۵) حجب در اصطلاح شرع و فقه



اسلامی، یعنی کسی که دارای سبب ارث است (وارث) از تمام و یا بالاترین سهم خود از ارث ممنوع می‌شود. (زملی، ۱۴۳۰، ۶: ۱۴؛ فرضی حنبلی، ۱۹۵۳، ۱: ۹۴) بنابراین ممنوعیت یک وارث را از تمام یا قسمتی از ارث به علت وجود وارث نزدیک‌تر به میت، حجب می‌گویند. بدین ترتیب وارث نزدیک‌تر به میت را که ارث می‌برد، حاجب و وارث دورتر را که محروم می‌شود و ارث نمی‌برد، محجوب می‌گویند.

۱-۲. حجب در حقوق

حجب در اصطلاح حقوقی به حالت وارثی می‌گویند که به واسطه بودن وارث یا خویشاوند دیگر، کلاً یا جزئاً از ارث بردن محروم می‌شود. (قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، ماده ۸۸۶؛ امامی، ۱۳۷۶، ۳: ۲۲۹؛ کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۸۳) قانون مدنی افغانستان در ماده ۲۰۲۴ می‌گوید: «حجب آن است که کسی اهلیت ارث را داشته مگر به نسبت وارث دیگر مستحق ارث نمی‌شود. محجوب باعث محجوبیت وارث دیگر می‌شود».

۲. تفاوت مانع و حاجب

منظور از مانع ارث، وجود اوصافی است در خود وارث که به خاطر دارا بودن وارث آن اوصاف، محروم از ارث‌بری یا ارث‌گذاری می‌شود. مثل قتل، بردگی، کفر، جنین بودن، لعان کردن، مفقودالاثر بودن. (شهید ثانی، ۱۳۹۶، ۳۸: ۱۸۵)

منظور از حاجب در ارث، وجود اشخاصی از وارثان است که اشخاص دیگر از وارثان را محروم از بردن اصل ارث یا قسمتی از ارث می‌کنند. مانند وارثان مرتبه اول ارث نسبت به وارثان مرتبه دوم ارث که با وجود مرتبه اول، نوبت به مرتبه دوم نمی‌رسد و مرتبه دوم از بردن اصل ارث محروم می‌شود. (همان)

۳. تفاوت محجوب و محروم

محجوب آن است که در حقیقت و نفس الامر اهلیت دریافت میراث را دارا است؛ اما به علت وجود وارث نزدیک‌تر به میت (یعنی حاجب) وارث بودن او ظاهر نمی‌شوند و از دریافت ارث بازمی‌ماند. چنانچه این وارث نزدیک‌تر (یعنی حاجب) و وجود

نداشته باشد، وارث بودن او ظاهر می‌شود و از ترکه میت ارث می‌برد. محروم آن است که اصلاً لیاقت دریافت میراث را ندارد و اهلیت وارث بودن در او از بین رفته است. مانند پسری که کافر است یا پسری که قاتل والدین است. به عبارت دیگر می‌توان محجوب را محروم عارضی و موقت و محروم را محروم واقعی و ابدی نام نهاد.

۴. اقسام حجب

حجب بر دو قسم است؛ حجب حرمانی و حجب نقصانی. (فرضی حنبلی، ۱۹۵۳، ۱: ۹۳؛ انصاری، ۱۴۱۸، ۲: ۵) قانون مدنی افغانستان در ماده ۲۰۲۵ می‌گوید: «حجب بدو نوع است؛ حجب نقصان که باعث تقلیل حصه مستحق ارث می‌شود و حجب حرمان که به صورت کلی از ارث محروم می‌شود».

۴-۱. حجب حرمانی

حجب حرمان که آن را حجب اسقاط و حجب کل هم می‌نامند، آن است که وارث از اصل ارث محروم می‌شود. مثل برادرزاده که به واسطه بودن برادر و یا خواهر متوفی از ارث محروم می‌شود یا برادر ابوی که با بودن برادر ابوینی، از ارث محروم می‌شود. (امامی، ۱۳۷۶، ۳: ۲۳۰) محرومیت کامل وارث را از تمام ارث، به علت وجود شخص نزدیک‌تر از او به میت، حجب حرمان می‌گویند. (دامنی، ۱۳۸۶، ۱: ۱۶۹) بر اساس فقه امامیه، وراثت به سه طبقه تقسیم می‌شوند و افراد هر طبقه، تنها در صورتی از ترکه متوفی ارث می‌برند که هیچ‌کس از افراد طبقه قبل موجود نباشد. پس خویشاوندان طبقه اول متوفی، حاجب حرمانی خویشاوندان طبقه دوم و سوم متوفی هستند. همچنین خویشاوندان طبقه دوم متوفی نیز حاجب حرمانی خویشاوندان طبقه سوم متوفی می‌باشند. (امامی، ۱۳۷۶، ۳: ۲۳۰-۲۳۱)

در میان افراد موجود در هر طبقه از خویشاوندان نیز، برخی از آنها حاجب حرمانی برخی دیگر می‌شوند. بدین توضیح که وارثان طبقه اول و دوم، هر یک خود، به دو صنف تقسیم می‌شوند که در هر صنف، افرادی که به لحاظ درجات دوری و



نزدیکی، به متوفی نزدیک‌ترند، دیگران را از اصل ارث محروم می‌کنند. (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۹۴-۲۹۵) به‌عنوان مثال، طبقه اول وراثت، از صنف پدر و مادر و صنف اولاد تشکیل می‌شود. بنابراین اگر متوفی فرزند بلا واسطه داشته باشد، این فرزند مانع ارث بردن نوه‌های متوفی، که از همان صنف اولاد هستند، می‌شود.

در طبقه دوم هم که از صنف اجداد و جدّات و صنف خواهر و برادر و اولاد ایشان تشکیل می‌شود نیز به همین منوال عمل می‌شود؛ اما در طبقه سوم همه وارثان از یک صنف هستند. پس علی‌القاعده کسی که به لحاظ درجات قرب و بعد به متوفی نزدیک‌تر است، وارثان دیگر را از ارث بردن محروم می‌کند. به‌عنوان مثال با وجود عمه متوفی، پسر عمه یا پسردایی متوفی از او ارث نمی‌برد.

اساس حجب حرمان، در قلمرو نسب بر دو عامل استوار است:

۱. قاعده «الاقرب یمنع الابد»: مفهوم ساده آن این است که خویشاوندی که به متوفی نزدیک‌تر است، خویشاوندان دورتر را از ارث بردن محروم می‌کند. (امامی، ۱۳۷۶، ۳: ۲۳۰) مثلاً جد صحیح (پدر پدر) هنگام زنده بودن پدر میت، به حجب حرمان محجوب می‌شود. یا می‌گویند که وارث بودن جد، توسط پدر متوفی ساقط شده است؛ زیرا پدر به میت از پدر پدر نزدیک‌تر است.

۲. قاعده «قائم مقامی و تنزیل» که درجات بعدی با نبود درجه قبلی در یک طبقه، قائم مقام آن‌ها شده و ارث می‌برد. مثلاً اولاد اولاد با نبود اولاد به قائم مقامی از اولاد و هم‌درجه با پدر و مادر متوفی ارث می‌برند.

پس قاعده حجب از اصل ارث، در موارد مختلفی قابل اعمال است که می‌شود آن را مختصراً، به ترتیب ذیل بیان کرد:

قاعده اول: هر وارث که با واسطه به میت متصل شود، آن واسطه وی را حجب می‌کند؛ یعنی به حرمان محجوب می‌شود. (دمیری، ۲۰۰۴، ۶: ۱۳۶) مثلاً «ابن الابن» به واسطه «ابن» به میت منسوب است. لذا وقتی که خود «ابن» موجود باشد، «ابن الابن» ساقط می‌شود. به همین دلیل است سقوط «اب الاب» توسط «اب» و سقوط «ام الام» توسط «ام».



قاعده دّوم: وارث نزدیک‌تر به میت، وارث دورتر را ساقط می‌کند. از جمله قواعد اساسی در حجب این است که وارث نزدیک‌تر، وارث دورتر را که شرایط گرفتن ارث را داد حجب می‌کند. خواه از زمره صاحبان فرض باشد، مانند مادر که جده را و دو دختر که دختر پسر را حجب می‌کنند و خواه از زمره عصبه‌ها باشد، قاعده مصداق پیدا می‌کند. چه عصبات: الف. در جهت متحد باشند، مانند اینکه «ابن» «ابن الابن» را اگرچه پسر خودش نباشد و برادرزاده‌اش باشد، از ارث ساقط می‌کند. ب. در جهت متحد نباشند، مانند پسر میت که برادر میت را ساقط می‌کند (پسر از جهت بنوت است و برادر از جهت اخوّت). این قاعده در جهت اخوت (برادرها) و عمومیت (عموها و پسرعموها) نیز تحقق پیدا می‌کند، مثلاً برادر ابوینی، باعث حجب برادر پدری و پسر برادر ابوینی، باعث حجب پسر برادر پدری، و عموی ابوینی باعث حجب عموی پدری، و پسرعموی ابوینی باعث حجب پسر عموی پدری می‌شود. ورثه نسبت به حجب، حرمان به دودسته تقسیم می‌شوند: (یزدان‌پرست، ۱۳۹۱: ۲۴۱)

۱. دسته‌ای که هرگز به حجب حرمان محجوب نمی‌شوند. به این معنا که اگرچه در پاره‌ای از اوقات به حجب نقصان سهم الارث آنان کم می‌شوند؛ اما هرگز از کل میراث محجوب نمی‌شوند. به عبارت دیگر می‌توان گفت که هرگاه یکی از این افراد در مسئله‌ای موجود باشند، قطعاً حصه‌ای از ترکه میت را به خود اختصاص می‌دهند و هرگز بی‌بهره نخواهند ماند. به شرط اینکه موانع ارث در آنان دیده نشود.

قانون مدنی افغانستان در ماده ۲۰۲۷ می‌گوید: «شش نفر از ورثه هیچ‌گاه به حجب حرمان مواجه نمی‌شود. و آن‌ها عبارت است از پدر، مادر، پسر، دختر، زوج و زوجه». قانون مدنی ایران در ماده ۸۹۱ می‌گوید: «وراث ذیل حاجب از ارث ندارد: پدر، مادر، پسر، دختر، زوج و زوجه». مقصود، حجب حرمانی و از اصل ارث است نه حجب نقصانی که در آن زمینه حاجب دارند.

۲. دسته‌ای که بر اساس حجب حرمان از میراث محروم می‌شوند؛ یعنی وجود شخص دیگری در ورثه سبب حرمان آن‌ها از میراث می‌شود. این اشخاص نظر به این که مستقیماً به میت منسوب نگردیده، بلکه به واسطه شخص دیگری به او منسوب



هستند، در بعضی از حالات مستحق میراث بوده و در برخی موارد از میراث محروم می‌شود.

افرادی که در فقه اهل سنت بر اساس حجب حرمان از میراث محروم می‌شوند، عبارتند از:

۱. جد: جد توسط پدر حجب حرمان می‌شود؛ زیرا جد به واسطه پدر به میت می‌رسد و واسطه وی را حجب می‌کند. قانون مدنی افغانستان در ماده ۲۰۲۹ می‌گوید: «پدر باعث حجب جد می‌شود، خواه از طریق فرض مستحق ارث شود خواه از طریق جد».
۲. جدّه: جدّه توسط افراد زیر حجب حرمان می‌شود:

الف. مادر: قانون مدنی افغانستان در ماده در ماده ۲۰۳۰ می‌گوید: «مادر میت باعث حجب جدات از میراث می‌شود. اعم از اینکه جدّه پدی باشد یا مادری از طرف جد»؛

ب. پدر: پدر موجب حجب حرمان تمامی جدّه‌هایی می‌شود که توسط وی به میت می‌رسند؛ ج. جد: جد موجب حرمان تمامی جدّه‌هایی می‌شود که به وسیله وی به میت می‌رسند. (ابن قدامه، بی تا، ۹: ۵۸؛ بهوتی کشاف، ۱۳۹۴، ۴: ۴۶۵)

۳. دختر پسر: دختر پسر توسط افراد زیر حجب می‌شود: الف. توسط پسر میت (یک یا بیشتر)، خواه پدر یا عموی دختر، پسر میت باشد. ب. دو دختر متوفی و بیشتر، نیز دختر یا دختران پسر را حجب می‌کند.

۴. خواهر ابوینی که توسط این افراد حجب حرمان می‌شود: الف. پسر؛ ب. پسر پسر و هر چند پائین تر؛ ج. پدر.

حتی اگر خواهر ابوینی به همراه برادر ابوینی هم باشد، توسط افراد مذکور حجب می‌شود؛ زیرا افراد مذکور برادر ابوینی را نیز حجب می‌کند و جمع این دو تأثیر بر حجبشان ندارد.

۵. خواهر پدری: خواهر پدری توسط افراد زیر حجب حرمان می‌شود: الف. پسر؛ ب. پسر پسر هر چند پایین تر؛ ج. پدر؛ د. برادر ابوینی؛ ه. خواهر ابوینی؛ و. دو خواهر ابوینی و بیشتر.

۶. خواهر مادری: فقها اتفاق نظر دارند که خواهر مادری توسط فرع وارث (مذکر و مؤنث) و اصل مذکر وارث حجب می‌شود. (بهوتی، ۱۳۹۴، ۴: ۴۷)

افرادی که در فقه امامیه بر اساس حجب حرمان از میراث محروم می‌شوند، قرار ذیل است:

بر اساس فقه امامی مراتب نسبی ارث، سه مرتبه است. (شهید ثانی، ۱۳۹۶، ۳۸: ۱۸۷)

مرتبه اول

۱. پدر و مادر میت.

۲. فرزندان او و نسل‌های و هرچه پایین‌تر بروند.

مرتبه دوم

۱. برادران و خواهران میت و فرزندان آنها و نسل‌های آنها هرچه پایین‌تر روند.

۲. اجداد میت (یعنی پدر بزرگان و مادر بزرگان میت) و هرچه بالاتر بروند.

مرتبه سوم

عموها، عمه‌ها، دایی‌ها، خاله‌ها و فرزندان آنها و نسل آنها هرچه پایین‌تر روند.

در این مراتب سه‌گانه ارث، هر مرتبه نزدیک‌تر به میت، حاجب مرتبه بعدی است؛ یعنی با وجود افراد مرتبه اول، افراد مرتبه دوم ارث نمی‌برند و با وجود افراد مرتبه دوم، افراد مرتبه سوم ارث نمی‌برند.

و در هرکدام از این مراتب، تمامی افراد یک مرتبه، در یک ردیف ارث قرار ندارند، بلکه دارای طبقاتی هستند. افراد طبقات نزدیک‌تر به میت، حاجب افراد طبقات بعدی هستند. به طوری که با وجود افراد از طبقه نزدیک‌تر، هیچ‌کس از افراد طبقه بعدی ارث نمی‌برند. و هرگاه از طبقه نزدیک‌تر، کسی موجود نباشد، افراد طبقه بعدی ارث خواهد برد. تفصیل مطلب اینک:

الف. در مرتبه اول ارث، در فرزندان میت، فرزندان بلاواسطه در طبقه اول قرار دارند که با وجود یک نفر از آنها نوبت به نوه‌های میت نمی‌رسند (که در طبقه دوم قرار دارند) نمی‌رسد، با وجود یک نفر از نوه‌ها، نوبت به نیره‌های میت (که در طبقه سوم قرار دارند) نمی‌رسد. به همین ترتیب نسل‌های بعدی که در طبقه بعدی قرار دارند.



ب. در مرتبه دوم ارث، در برادران میت یا وجود یک نفر از آن‌ها نوبت به فرزندان آن‌ها (که در طبقه دوم قرار دارند) نمی‌رسد و باوجود یک نفر از فرزندان، نوبت به نسل بعدی (که در طبقه سوم قرار دارند) نمی‌رسد. در اجداد نیز همین‌طور، باوجود یک نفر از اجداد طبقه اول نوبت به اجداد طبقه دوم نمی‌رسد و همین‌طور ترتیب در اجداد بالاتر.

ج. در مرتبه سوم ارث، در عموها، عمه‌ها، دایی‌ها و خاله‌ها، باوجود یک نفر از آن‌ها نوبت به فرزندان آن‌ها (که در طبقه دوم قرار دارند) نمی‌رسد، و باوجود یک نفر از فرزندان، نوبت به نسل بعدی (که در طبقه سوم قرار دارند) نمی‌رسد.

با توجه به مطالب مذکور، موارد ذیل از مصادیق حجب حرمانی خواهد بود:

۱. پدر حاجب جد و جدده است.
 ۲. اخوه و اخوات و فرزندان آنان حاجب اولاد اجداد و جدات (یعنی اعمام و عمات و احوال و خالات) و فرزندان آن‌ها هستند.
 ۳. جد قریب، حاجب جد بعید است.
 ۴. اعمام و احوال و فرزندان آنان (با رعایت تنزل) حاجب اعمام و احوال پدر هستند و همچنین اعمام و احوال پدر حاجب اعمام و احوال جد می‌شوند.
 ۵. خویشاوندان ابوینی (با تساوی طبقه و درجه) حاجب خویشاوند ابی هستند.
 ۶. خویشاوند نسبی حاجب هر نوع وارث دیگر، جز زوجین است.
 ۷. عم، حاجب اولاد اعمام و عمات و احوال و خالات است و همین‌طور عمه و دایی و خاله نسبت به اولاد یکدیگر؛ زیرا طبقه سوم صنف و احد را تشکیل می‌دهند، قهرا تا یک نفر از آن درجه باشد، نوبت به فرزندان که در درجه بعدی هستند نمی‌رسد.
- (طاهری، ۱۳۹۱، ۵: ۲)

۲-۴. حجب نقصان

حجب نقصان حالتی است که شخص از بالاترین سهم خود ممنوع می‌شود و سهم ارث وی به دلیل وجود شخص یا اشخاصی کاهش و نقصان پیدا می‌کند. به تعبیر



دیگر تنزل فرض یک وارث را از حد اعلی به حد ادنی را حجب نقصان می‌گویند.
(یزدان‌پرست، ۱۳۹۱: ۲۳۸)

قانون مدنی ایران در ماده ۸۸۷ می‌گوید: «مقصود از حجب نقصان آن است که فرض وارث از حد اعلی به حد ادنی نازل می‌شود، مثل تنزل حصه شوهر از نصف به ربع در صورتی که برای زوجه اولاد باشد. همچنین تنزل حصه زن از ربع به ثمن در صورتی که برای زوج او اولاد باشد». بنابراین حجب نقصان در مواردی پیش می‌آید که با بودن حاجب، وارثی که ممکن بوده نصیب بیشتری از ارث ببرد، کمتر نصیب او می‌شود.

قانون مدنی افغانستان در ماده ۲۰۲۸ می‌گوید: «حجب نقصان بر پنج نفر ورثه وارد می‌شود که آن‌ها عبارتند از مادر، دختر پسر، خواهر علاتی، زوج و زوجه».

۵. اقسام حجب نقصان در فقه امامی

۵-۱. حجب اولاد

اصطلاح حجب اولاد زمانی به کار می‌رود که اولاد یا اولاد اولاد میت، حاجب برخی از ورثه می‌شوند و باعث می‌گردند که سهم ایشان از نصیب بالا به نصیب پایین تنزل یابد و مشتمل بر دو مورد است:

الف. حجب نقصانی اولاد نسبت به والدین: با وجود اولاد برای میت، سهم هر یک از پدر و مادر متوفی به یک‌ششم ترکه کاهش می‌یابد. این در حالی است که اگر متوفی اولاد نداشت، سهم مادر یک‌سوم از ترکه بود و پدر مابقی ترکه را به قرابت به ارث می‌برد. (شهید ثانی، ۱۳۹۶، ۳۸: ۲۱۷)

ب. حجب نقصانی اولاد نسبت به زوجین: وجود اولاد برای متوفی، باعث می‌شود سهم زوج از یک‌دوم به یک‌چهارم تقلیل یابد و سهم زوجه نیز از یک‌چهارم به یک‌هشتم تنزل یابد (شهید ثانی، ۱۳۹۶، ۳۸: ۲۱۷؛ امامی، ۱۳۷۶، ۳: ۲۳۵)

۵-۲. حجب نقصانی اخوه

اصطلاح حجب اخوه زمانی به کار می‌رود که خواهر یا برادران میت، حاجب



مادر میت می‌شوند و باعث می‌گردند که سهم وی از نصیب بالا به نصیب پائین تنزل یابد. (شهید ثانی، ۱۳۹۶، ۳۸: ۲۱۷؛ امامی، ۱۳۷۶، ۳: ۲۳۵) قانون مدنی ایران در ماده ۸۹۲ می‌گوید: «وقتی که میت چند برادر یا خواهر داشته باشد، در این صورت سهم الارث مادر میت از یک سوم به یک ششم ترکه تنزل خواهد یافت، مشروط بر اینکه:

۱. اخوت میت، لااقل دو برادر یا یک برادر با دو خواهر یا چهارخواهر باشند؛

۲. پدر آنها زنده باشد؛

۳. پدر از ارث محروم نباشد مگر به سبب قتل؛

۴. تمامی خواهر یا برادران ابوینی یا ابی باشند.

۳-۵. حاجب نقصانی دختر

در صورتی که فرزند متوفی تنها یک دختر باشد، سهم او یک دوم از کل ترکه است. این در حالی است که اگر فرزندان متوفی دو یا چند دختر باشند، فرض مجموع دخترها دوسوم کل ترکه است. واضح است که در چنین حالتی می‌توان هر یک از دخترها را حاجب نقصانی دختر دیگر دانست. به‌عنوان مثال اگر میت بجای یک دختر، دو دختر داشته باشد، سهم هر یک از آنها بجای نصف ترکه، یک سوم ترکه خواهد بود. (شهیدی، ۱۳۸۵: ۱۳۵؛ قانون مدنی ایران ماده ۸۹۹)

۶. اقسام حجب نقصان در فقه اهل سنت

۱-۶. انتقال از بالاترین فرض به پایین‌ترین فرض

پنج شخص از صاحبان فرض به دلیل وجود شخص یا اشخاصی از بالاترین فرض خود محروم می‌شوند و پایین‌ترین فرض خود را دریافت می‌کنند. این افراد و قوانین حاکم بر حجب آنها، به قرار ذیل است: (ابن حجر هیثمی، ۱۹۷۴، ۶: ۳۹۷؛ وزارت اوقاف و شئون اسلامی کویت، ۱۴۰۴، ۱۷: ۱۹؛ بابا علی شیخ عمر، ۲۰۰۴: ۷۷)

۱. زوج: هرگاه زوجه متوفی دارای فرع وارث یعنی؛ دختر، پسر، دختر پسر، پسر پسر هر چند پایین‌تر رود از این شوهر یا از شوهر قبلی داشته باشد ارث زوج از به تقلیل پیدا می‌کند.



۲. زوجه: هرگاه زوج متوفی دارای فرع وارث باشد، سهمیه زوجه‌اش از به تقلیل پیدا می‌کند.

۳. مادر: هرگاه میت دارای فرع وارث باشد و یا دارای تعدادی از برادران و خواهران - ابوینی یا پدری و یا مادری - دو یا بیشتر باشد، سهمیه مادر از به کاهش می‌یابد.

۴. دختر پسر: در صورتی که دختر پسر (یک یا بیشتر) معصّب و حاجب نداشته باشد، در صورت وجود دختر، سهمیه یک دختر پسر از به تقلیل می‌یابد و اگر دو دختر و بیشتر باشد، ارث آن‌ها از به کاهش پیدا می‌کند.

۵. خواهر پدری: در صورتی که خواهر پدری (یک یا بیشتر) معصّب و حاجب نداشته باشد، در صورت وجود خواهر ابوینی، سهمیه یک خواهر پدری، از به کاهش می‌یابد. و اگر دو خواهر پدری و بیشتر باشند، ارث آن‌ها از به کاهش پیدا می‌کند.

۲-۶. انتقال از بالاترین تعصیب به پایین‌ترین فرض

این حجب نقصان در مورد پدر و جد در حالت وجود فرع مذکر - پسر، پسر پسر و هر چند پایین‌تر - حاکم است، در این حالت آن‌ها به جای عصبه بالنفس شدن، ارث می‌گیرند و این انتقال تا حدی در حالت وجود فرع مؤنث - دختر، دختر پسر، دختر پسر پسر و هر چند پایین‌تر - نیز صدق می‌کند، پدر و جد پدری به جای اینکه با فرض و نیز تعصیب ارث ببرند، فقط را با فرض می‌گیرند.

مثال (۱)

۶		
۱		پدر
۱		مادر
۴	ع	پسر

جدول (۱)



۳		
۱		مادر
۲	ع	پدر

جدول (۲)

در جدول (۱) وجود پسر، باعث شده که پدر برخلاف جدول (۲) که پسر وجود دارد و عصبه شده، بگیرد و ارث وی کاهش یابد.

۶		
$۲=۱+۱$	+ع	جد
۱		مادر
۳		دختر پسر

جدول (۳)

۳		
۱		مادر
۲	ع	جد

جدول (۴)

در جدول (۳) وجود دختر، باعث شده که جد برخلاف جدول (۴) که دختر پسر وجود ندارد و عصبه شده، با فرض و تعصیب ارث بگیرد و در نتیجه، ارث کاهش پیدا کرده است.

۳-۶. انتقال از تعصیب به فرض

کلیه مؤنث‌های عصبه‌های بالغی در صورتی که به همراه مذکر هم‌درجه خود نباشند، با فرض ارث می‌گیرند، ولی در صورتی که با مذکر هم‌درجه خود قرار گیرند با وی



عصبه شده و در نتیجه ارث آن‌ها کاهش پیدا می‌کند و این انتقال در مورد عصبه‌های با مع الغیر نیز صدق پیدا می‌کند و این‌ها ۶ حالت دارند که عبارت است از:

۱. چنانچه مورث یک دختر داشته باشد و اگر دو بیشتر داشته باشد ارث به وی تعلق می‌گیرد، حال اگر با پسر قرار گیرد بنا بر قاعده «بهره ارث یک مرد به اندازه بهره دوزن»، عصبه بالغیر می‌شود و سهم ارث وی نصف سهم ارث یک مرد می‌شود.

۲. چنانچه دختر پسر در صورت عدم حاجب، تنها باشد، ارث و اگر دو و بیشتر باشد، ارث و اگر به همراه دختر باشد (یک یا بیش از یک نفر باشد) ارث می‌گیرد، حال اگر با پسر قرار گیرد، عصبه بالغیر شده و بنا بر قاعده «بهره ارث یک مرد به اندازه بهره دوزن» ارث می‌گیرد.

۳. چنانچه خواهر ابوینی تنها باشد، ارث و اگر دو و بیشتر باشد، ارث به آنان تعلق می‌گیرد، حال اگر برادر ابوینی داشته باشد، بنا بر قاعده «بهره ارث یک مرد به اندازه بهره دوزن» ارث می‌گیرد. چنانچه خواهر پدری تنها باشد، ارث و اگر دو و بیشتر باشد ارث و اگر به همراه خواهر ابوینی (یک یا بیشتر از یک باشد) ارث را می‌گیرد، حال اگر به همراه برادر پدری باشد، عصبه بالغیر شده و بنا بر قاعده «بهره ارث یک مرد به اندازه بهره دوزن» ارث می‌گیرند.

۴. خواهر ابوینی به شرط عدم وجود برادر ابوینی که او را عصبه بالغیر می‌کند و نیز عدم حاجب اگر به همراه دختر یا دختر پسر یا هر دوی آن‌ها باشد، ارث وی از فرض به عصبه مع الغیر انتقال پیدا می‌کند. و در نتیجه ارث وی کاهش پیدا می‌کند.

۵. خواهر پدری به شرط عدم وجود برادر پدری که او را عصبه بالغیر کند و نیز عدم حاجب اگر به همراه دختر یا دختر پسر و یا هر دوی آن‌ها باشند، ارث وی از فرض به عصبه مع الغیر انتقال پیدا می‌کند و ارث وی کاهش پیدا می‌کند.

مثال:

۲		
۱		دختر

۱. لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَىٰ. (نساء: ۱۱)



۱	ع	برادر ابوی
---	---	------------

جدول (۱)

۴		
۱		دختر
۲	ع	پسر
۰	ح	برادر ابوی

جدول (۲)

۱۲		
۳		زوج
$۳=۱+۲$	+ع	پدر
۶		دختر پسر

جدول (۳)

۳۶	۱۲	$\times ۳$	
۹	۳		زوج
۶	۲		پدر
۷			دختر پسر
۱۴	۷	ع	پسر پسر

جدول (۴)

۱۳		
۱۲		
۳		زوج

۴		ماد
۶		خواهر ابوینی

جدول (۵)

۳۶	۱۲	×۳	
۹	۳		زوجه
۱۲	۴		مادر
۵	۵	ع	خواهر ابوینی
۱۰			برادر ابوینی

جدول (۶)

۱۳		
۱۲		
۳		زوجه
۴		۲ برادر مادری
۶		خواهر پدری

جدول (۷)

۳۶	۱۲		
۹	۳		زوجه
۱۲	۴		۲ برادر مادری
۵	۵	ع	خواهر پدری
۱۰			برادر پدری

جدول (۸)





۶		
۲		۲ خواهر مادری
۱		جده
۳		خواهران ابوینی

جدول (۹)

۶		
۰	ح	۲ خواهر مادری
۱		جده
۳		دختر پسر
۲	ع	خواهر ابوینی

جدول (۱۰)

۱۳		
۱۲		
۳		زوجه
۴		۲ برادر مادری
۶		خواهر پدری

جدول (۱۱)

۸		
۱		زوجه
۰	ح	۲ برادر مادری
۴		دختر
۳	ع	خواهر پدری

با مقایسه جدول‌های شماره فرد با شماره زوج، مشاهده می‌شود که ارث صاحبان

فرض که به خاطر وجود اشخاص در جدول‌های زوج عصبه شده‌اند به خاطر عصبه شدند کاهش پیدا کرده است.

۷. افزایش تعداد عصبه‌ها

در صورت افزایش تعداد هریک از عصبه‌های بالنفس به جز پدر و جد، سهم ارث هریک از آن‌ها کاهش پیدا می‌کند؛ زیرا در حالت تعدد، ارثی که به عصبه می‌رسند باید بین افراد تقسیم شود و این حجب نقصان و کاهش سهم هرکدام می‌شود، مثلاً اگر متوفی، تنها یک پسر داشته باشد، همه ترکه به او می‌رسد و اگر بیش از یک پسر داشته باشد، ترکه بین آن‌ها تقسیم می‌شود.

مثال:

۸		
۱		زوجه
۴		دختر
۳	ع	۱ عمویی ابوینی

جدول (۱)

۸		
۱		زوجه
۴		دختر
۳	ع	۳ عمویی ابوینی

جدول (۲)

در جدول (۱) عمو به تنهای سه سهم از کل ترکه را می‌گیرد، ولی در جدول (۲) به سه عمو در مجموع سه سهم از کل ترکه می‌رسد که به هرکدام یک سهم می‌رسد و تعدد آن‌ها باعث حجب نقصان آن‌ها شده است.

نتیجه گیری

حجب از اصطلاحات فقهی و حقوقی در مباحث ارث و میراث بوده و به این معنا است که شخصی از اول اهلیت ارث را داشته؛ اما به دلیل وجود وارث دیگر، مستحق ارث نمی شود. بر اساس فقه امامیه، وراثت به سه طبقه تقسیم می شوند و افراد هر طبقه، تنها در صورتی از ترکه متوفی ارث می برند که هیچ کس از افراد طبقه قبل موجود نباشند. پس خویشاوندان طبقه اول متوفی حاجب حرمانی خویشاوندان طبقه دوم و سوم متوفی هستند. همچنین خویشاوندان طبقه دوم متوفی نیز حاجب حرمانی خویشاوندان طبقه سوم متوفی می باشند. حجب حرمانی آن است که وارث از اصل ارث محروم می شود. مثل برادرزاده که به واسطه بودن برادر یا خواهر متوفی از ارث محروم می شود یا برادر ابوی که با بودن برادر ابوینی، از ارث محروم می شود. حجب نقصانی حالتی است که شخص از بالاترین سهم خود ممنوع می شود و سهم ارث وی به دلیل وجود شخص یا اشخاصی کاهش و نقصان پیدا می کند. به تعبیر دیگر تنزل فرض یک وارث را از حد اعلی به حد ادنی را حجب نقصان می گویند.



فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن حجر هيثمي، احمد بن محمد، (۱۹۷۴م)، *تُحْفَةُ الْمُحْتَاجِ بِشَرْحِ الْمِنْهَاجِ*، بيروت: داراحياء التراث العربي.
۲. ابن قدامه، عبدالله بن احمد، (بی تا)، *المغنی فی فقه الامام احمد بن حنبل شیبانی*، بیروت: دارالحدیث.
۳. امامی، سیدحسن، (۱۳۷۶)، *حقوق مدنی*، تهران: انتشارات کتاب فروشی اسلامیة.
۴. انصاری، زکریا بن محمد بن احمد، (۱۴۱۸ ق)، *فتح الوهاب*، بیروت: دارالکتاب العلمیه.
۵. بهوتی، منصور بن یونس بن ادريس، (۱۳۹۴ق)، *کشاف القناع عن متن الاقناع*، مکه: الحکومه.
۶. دامنی، عبد الناصر، (۱۳۸۶)، *میراث به زیان ساده*، تهران: نشر احسان.
۷. دمیری، محمد بن موسی، (۲۰۰۴م)، *النجم الوهاج فی شرح المنهاج*، بیروت: دار المنهاج.
۸. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، *لغتنامه دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران.
۹. زملی، محمد بن احمد بن حمزة بن شهاب الدین، (۱۴۳۰)، *نهاية المهتاج على المنهاج*، قاهره: نشر البانی الحلبي.
۱۰. سیاح، احمد، (۱۳۵۴)، *فرهنگ جامع عربی-فارسی*، تهران: کتاب فروشی اسلامیة.
۱۱. شهید ثانی، (۱۳۹۶)، *الروضه البهية فی شرح للمعة الدمشغیه*، (شرح و ترجمه: حسن قاوری)، قم: نشر عالمه.
۱۲. شهیدی، مهدی، (۱۳۸۵)، *ارث*، تهران: انتشارات مجد.
۱۳. شیخ عمر، بابا علی، (۲۰۰۴م)، *فقه الموارث فی القرآن الکریم*، اربیل: دارالتفسیر.
۱۴. طاهری، حبیب الله، (۱۳۹۱)، *حقوق مدنی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.



۱۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۲۰۰۳م)، کتاب العین، (تحقیق: عبد الحمید هنداوی)، بیروت: دار الکتب العلمیة.

۱۶. فرضی حنبلی، (۱۹۵۳م)، العذاب الفائض شرح عمدة الفارض، قاهره: نشر مصطفی، بابی حلبی.

۱۷. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۶)، دوره مقدم ماتی حقوق مدنی درسهایی از شفعه، وصیت و ارث، تهران: نشر میزان.

۱۸. وزارت اوقاف و امور اسلامی کویت، (۱۴۰۴ق)، الموسوعة الفقهية الكويتية، کویت: ذات السلاسل.

۱۹. یزدان پرست، یونس، (۱۳۹۱)، ارث در فقه اسلامی، تهران: نشر احسان.

ب. قوانین

۲۰. قانون مدنی افغانستان، تاریخ تصویب ۱۵ جدی ۱۳۵۵ منتشر شده در جریده سمی به شماره ۳۵۳

۲۱. قانون احوال شخصیه اهل تشیع افغانستان، تاریخ تصویب، ۱۳۸۷/۱۲/۲۹.

۲۲. قانون بیمه ایران ماده ۲۴ مصوب ۱۳۱۶/۲/۷.

۲۳. قانون احوال شخصیه مصر، مصوب ۲۰۰۰ م.

۲۴. قانون احوال شخصیه سوریه، مصوب ۱۹۵۳

۲۵. قانون احوال شخصیه سوریه کویت، طبع ۲۰۱۱

